

حقوق شهروندی و میزان آگاهی شهروندان از آن (مورد مطالعه: کلان شهر تهران)

حسن علیدادی سلیمانی*
استادیار گروه علوم اجتماعی (حقوق)، پردیس بین‌المللی دانشگاه تهران، کیش، ایران
محمدرضا حاجی کرم رعیت
دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی دانشگاه تهران، کیش، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: 98/12/28 پذیرش: 99/05/11

چکیده: حقوق شهروندی، از جمله مفاهیمی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، به نظر می‌رسد از یک سو، تلقی اشتباهی از نسبت میان حقوق شهروندی با سایر عناوین مشابه؛ از جمله حقوق اساسی، حقوق مدنی و به ویژه حقوق بشر، وجود دارد و از سوی دیگر، رابطه حقوق شهروندان با آموزش‌های شهروندی، به درستی شناخته نشده است. از این رو هدف تحقیق حاضر، بررسی آگاهی‌های شهروندان از حقوق شهروندی در کلان‌شهر تهران می‌باشد. روش تحقیق حاضر نیز از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. نمونه تحقیق 350 نفر از شهروندان تهرانی در سال 1398 است. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه 18 سؤالی محقق ساخته است که به‌منظور سنجش روایی ابزار، صاحب‌نظران با استفاده از روش روایی محتوا، روایی ابزار را در حد مطلوب ارزیابی کردند و به‌منظور برآورد پایایی ابزار پژوهش، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن برابر 0/82 محاسبه شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های t تک‌گروهی، t دو گروه مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان دادند که میزان آگاهی از حقوق شهروندی در شهروندان تهرانی، پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. همچنین بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی بر اساس قومیت، تحصیلات، منطقه سکونت و رده سنی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اما میزان آگاهی شهروندان مرد تهرانی از حقوق شهروندی، بیشتر از شهروندان زن تهرانی می‌باشد و میزان آگاهی شهروندان متأهل از مجرد نیز بیشتر است.

واژگان کلیدی: شهروندی، حقوق شهروندی، آگاهی شهروندان، مفاهیم شهروندی

طبقه‌بندی JEL: P48, D23, O15, P25

1- مقدمه

امروزه طیف گسترده مهاجرت در دنیا و تبعات آن برای جوامع مهاجرپذیر، کاهش مشارکت مردمی، تغییر و تحولات سیاسی و وضعیت نامناسب اقتصادی، گسترش ارتباطات از طریق وسایل ارتباط جمعی و از همه مهمتر ویژگی عمده رفتار شهروندان معاصر که درصدد کسب نفع شخصی و مزیت‌های فردی هستند، مسئله حقوق شهروندی را چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی به یک مسئله پراهمیت تبدیل کرده است (کلدی و پوردهناد، 1391).

حقوق شهروندی به‌طور خاص تنظیم‌کننده رابطه بین شهروندان و مدیریت شهری است. آگاهی از این حقوق سبب می‌شود که فرد نظارت بهتری بر مدیریت شهری داشته باشد، بهتر بتواند حقوق خود را مطالبه کند و وظایفی که طبق قانون در مقابل دیگران و مدیریت شهری دارد را بشناسد و در جهت انجام آنها اقدام کند (حسین‌آبادی و زنگنه، 1396). ایده اصلی شهروندی به حقوق اقتصادی و سیاسی دسترسی و مشارکت مربوط می‌شود و کسانی که برای پوشش حقوق اجتماعی فراسوی آنها حرکت می‌کنند، فقط ارتقای برابری را به منظور حمایت از یکپارچگی اقتصادی هدف قرار می‌دهند (شیانی و داودوندی، 1389).

یکی از وظایف اصلی حکومت‌ها، تأمین آزادی‌های فردی است که با وضع قوانین و مقررات مناسب، مانع تعرض دیگران به حقوق و آزادی‌های شخصی می‌شود. در وضع این‌گونه قوانین و مقررات، یکی از اولین عواملی که به ذهن شخص قانون‌گذار خطور می‌کند، جایگاه آموزش مفاهیم شهروندی به شهروندان در راستای آگاهی آنان از حقوق خود است و دایره کاربرد این مفاهیم در یک جامعه شهری است (Demaine & Entwistle, 2016). در چنین شرایطی سیاست‌ها، برنامه‌ها و ضوابط قانونی در خلاء آگاهی عمومی، به نتایج قابل توجهی نخواهند رسید و علاوه بر اختلال در مدیریت شهرها، شهروندان را نیز با

مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد کرد. به عبارتی دیگر، داشتن زندگی مناسب در کنار دیگران و بهره‌مندی از مزایای شهر، بدون آگاهی از حقوق، وظایف و تکالیف مرتبط با آن، تحقق نمی‌یابد (McNulty et al., 2016). به عبارت دیگر، از آنجا که مدیریت موفق امور شهری با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود مستلزم توجه جدی به شهروندانی آگاه است تا بتواند در قالب حقوق و مسئولیت‌های تعیین شده در چارچوب فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عرصه حیات شهری فعالیت کنند؛ حصول به چنین هدفی نیازمند تدابیر و زمینه‌های لازم برای آگاه‌سازی شهروندان است (شارع‌پور و همکاران، 1395).

با توجه به مطالب بیان شده، دغدغه اصلی تحقیق حاضر، پرداختن به این مسئله است که با توجه به اهمیت حقوق شهروندی در ساختار نظام شهرهای امروزی، میزان آگاهی عمومی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی به چه میزان می‌باشد. در این راستا سؤالات تحقیق عبارتند از:

- 1- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی چقدر است؟
- 2- آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس اطلاعات جمعیت‌شناختی (جنسیت، قومیت، سن و تحصیلات) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

2- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

اسکری¹ (2013) در مقاله با عنوان «شهروندی سبز و انتقاد از بی‌عدالتی» بیان کرد که شهروندان باید از حق شهروندی سبز؛ یعنی حق مشارکت در تصمیمات زیست‌محیطی، حق دسترسی آزاد به اطلاعات زیست‌محیطی کشور، حق آموزش عمومی شهروندان در حوزه زیست‌محیطی و حق دادخواهی زیست‌محیطی

آگاهی داشته باشند تا بتوانند از زیست محیط سالم برخوردار باشند و بی عدالتی ها کاهش یابد.

کسر^۱ و همکاران (2011) در پژوهشی با عنوان «نقش آموزش در شهروندی فعال و آگاهی شهروندی» بیان داشتند که آموزش شش مضمون درک شهروندی فعال، پاسخ گویی اجتماعی، آگاهی بین فرهنگی، آگاهی از دموکراسی و حقوق بشر، مهارت های تفکر و تحقیق و مهارت های بین فردی، در آگاهی شهروندان از حقوق خود تأثیر بسزایی دارند.

سلمان^۲ (2004) در پژوهشی با عنوان «انسان شناسی و حقوق شهروندی در آمریکای لاتین» به بررسی آگاهی مردم از حقوق شهروندی خود در کشورهای شیلی، اکوادور و بولیوی می پردازد و بیان می کند که میزان آگاهی مردم از حقوق شهروندی به طور معناداری پایین تر از حد متوسط می باشد. مردم عموماً در این کشورهای فقیر به دنبال حقوق خود هستند در صورتی که اصلاً آگاهی از این حقوق ندارند. آنها با شناخت و آگاهی بیشتر از قوانین جهانی و حاکمیت قانون بهتر می توانند به حقوق خود پی ببرند.

ب) پژوهش های داخلی

بهرامی و همکاران (1398) به بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان 18 تا 65 سال استان لرستان پرداختند. نتایج نشان دادند میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان شهروندان (2/71) نسبتاً بالاست. در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بیشترین میزان آگاهی مربوط به حقوق اجتماعی شهروندی (2/86) و کمترین آن مربوط به حقوق فرهنگی شهروندی (2/38) بوده است. تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که میانگین نمرات آگاهی از حقوق شهروندی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

ابراهیمی و حقزاد (1397) به بررسی میزان آگاهی شهروندان شهر تنکابن از حقوق شهروندی و قوانین شهری پرداختند. جامعه آماری پژوهش، شهروندان بالای 15 سال شهر تنکابن انتخاب شدند که طبق فرمول کوکران تعداد 381 نمونه گزینش شدند. داده ها توسط نرم افزار SPSS و آزمون های آماری کای اسکوتر، تای سی کندال و d سامرز، تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند میزان آگاهی شهروندان با سن آنان ارتباط معناداری دارد و سطح تحصیلات نیز بر میزان آگاهی تأثیر مثبتی دارد اما ارتباطی بین جنسیت با میزان آگاهی، مشهود نیست.

رمضان مقدم واجاری و جانی پور (1396) در مقاله ای به بررسی رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با میزان آگاهی از حقوق شهروندی پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شهروندان شهر رشت می باشد که 328 نفر از آنها با استفاده فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. یافته های تحقیق نشان می دهند که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی، مصرف رسانه ای، تحصیلات، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. اما بین جنس و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین پنج متغیر تحصیلات، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، مصرف رسانه ای، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین وارد شده در مدل رگرسیونی تحقیق، 30 درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندان را تبیین کرده اند.

سجادی و واحدی یگانه (1396) در تحقیقی به سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان سنج از حقوق شهروندی و قوانین شهری پرداختند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری شهر سنج در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری، در سطح متوسط به پایین قرار دارد و شاخص آگاهی شهروندان با جنسیت، شغل و تحصیلات، رابطه معناداری دارد.

1- Keser

2- Salman

زیاری و همکاران (1392) در پژوهشی به سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بودند که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است و شاخص مذکور (آگاهی) با شغل افراد ارتباط معناداری دارد، اما تحصیلات دانشگاهی افراد در این شاخص تأثیر خاصی نداشته است. مجموعه این عوامل، نشانگر آن است که بیشتر افراد آگاه به صورت تجربی و در جریان درگیری‌های حقوقی با بخش‌های مختلف شهرداری یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به دست آورده‌اند.

با مروری بر تحقیقات داخلی که موضوع حقوق شهروندی در زمینه آگاهی‌های شهروندی را بررسی کرده‌اند، می‌توان گفت که اکثر تحقیقات انجام شده در این حوزه، به بررسی میزان آگاهی شهروندی از حیث حقوق و وظایف، تعهدات، تکالیف، مسئولیت‌ها در سطح ملی (شهروندی ملی) پرداخته‌اند اما در تحقیق حاضر، مفهومی از شهروندی مدنظر است که به حقوق و مسئولیت‌های شهری شهرنشینان پرداخته و متولی استیفای آگاهی شهروندی که متشکل از دو بعد حق و مسئولیت می‌باشد، به معنای خاص در سطح محلی یعنی شهروندی شدن است.

3- مبانی نظری

موضوع شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن، رابطه شهروند را با مدیریت شهر یا دولت و حکومت تبیین می‌کند. مفهوم شهروندی به عنوان فردی که تعهداتش را می‌پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی، خودآگاه بودن را لازمه مشارکت خود می‌داند، راهی است که بسیاری از تشکلهای، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می‌دانند (نیازی و همکاران، 1396). امروزه، شهروند، اصطلاحی است که با نفوذ حقوق مدرن و تلقی‌های جدید، مفهوم وسیعی یافته و برای تمام اتباع

یک کشور به کار می‌رود و مصادیق آن آزادی، مالکیت و امنیت است (ساعی ارسی، ۱۳۹۱). شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است که به کمک مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند (عنایتی و همکاران، 1395). از این رو حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی است که برای جامعه معینی تعریف شده و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود (دسترنج و ملاحی، 1397).

آگاهی از حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از افکار، عقاید، حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هر آنچه که در وسیع‌ترین معنا به امور عمومی اعم از سیاسی یا اجتماعی مربوط می‌شود است. آگاهی از حقوق شهروندی هم باعث می‌شود مطالبه‌گری از دولت در راستای اعطای حقوق شهروندی افزایش یابد و هم با افزایش تعهدات شهروندان به دولت و جامعه، مشارکت را در حوزه‌های مختلف افزایش یابد (سهامی و همکاران، 1395).

مطالعات نشان می‌دهد در تحقق واژه شهروندی و آگاه‌سازی مردم از حقوق شهروندی، آموزش نقش انکارناپذیری دارد و در تمامی مجامع بین‌المللی، پذیرفته شده و به صورت اصل درآمده است. به طوری که NCSS چهار عنصر برای یک شهروند مطلوب را عبارت می‌داند از: دانش، تفکر، تعهد و عمل. آموزش در سطح جامعه شهری، شهروندان را به ابزار دانش درک مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها مجهز ساخته و آنها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه به عهده بگیرند (جعفری، 1395).

آموزش حقوق شهروندی به طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود. آنان از این طریق به شهروندان فعال، آگاه و مسئول تبدیل می‌شوند. در انگلستان از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به طور رسمی در برنامه درسی

مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش عبارت بودند: آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، بحث و بررسی درباره سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی، فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی (Lister, 2016).

آموزش شهروندی از بعد جامعه‌شناسی نظری، ریشه در اندیشه‌های صاحب‌نظران کلاسیکی چون وبر، تونیس و دورکیم دارد. آنها قائل به نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی-عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی بودند که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه و نهایتاً تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی می‌گردد (توسلی و نجاتی، 1383).

ترنر در اندیشه‌های خود مفهوم شهروندی و آموزش‌های که باید به افراد در این زمینه داده شود، در قالب چهار مؤلفه جامعه‌شناختی به عنوان یک واقعیت اجتماعی بیان کرده است:

- شکل اجتماعی شهروندی: در این شکل، آموزش‌هایی که شهروندان دریافت می‌کنند از بالا به پایین است؛ یعنی دولت به سمت جامعه، مفاهیم شهروندی و شهروندمداری را ارائه می‌دهد.
- قلمرو اجتماعی شهروندی: در این حوزه، آموزه‌هایی ارائه شده که بیشتر شهروندمداری را به سمت حوزه عمومی ترغیب کرده یا برخی از این آموزه‌ها منجر به به شکل‌گیری حوزه‌های خصوصی شده است.
- گونه اجتماعی شهروندی: این مؤلفه اشاره به آموزش‌هایی دارد که شهروندان را بیشتر حالت فعال در شهروند یا به صورت شهروند منفعل تلقی می‌کند.
- محتوای اجتماعی شهروندی: اشاره به تعلیماتی دارد که تأکید بر ایفای وظایف، تکالیف، مسئولیت‌ها و تعهدات شهروندی کرده یا معطوف به حقوق و امتیازات شهروندی دانسته است (Ferrarini et al., 2013).

مارشال در نظریه خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه اجتماعی را در جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری به عنوان نظامی پویا مطرح کرد که در آن برخورد مدام میان شهروندی و طبقات اجتماعی، تعیین‌کننده زندگی سیاسی و اجتماعی است. بدین صورت که فرایند تضمین حقوق اجتماعی، موجب فرسایش تفاوت‌های طبقاتی می‌شود و مساوات‌طلبی شهروندی را تقویت می‌نماید. در عین حال تهدید امتیاز طبقاتی، واکنش دفاعی را برمی‌انگیزد و طبقه مسلط از نظر اقتصادی، از موقعیت خود در برابر بسط و گسترش حقوق اجتماعی دفاع می‌کند. بنابراین، با توجه به این نظریه مارشال، تأثیرات پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد بر میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی مورد سنجش قرار می‌گیرد (Ramanathan, 2013).

هابرماس نیز معتقد است که شهروندی، ناشی از تمایز حوزه اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. به باور او، تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام عیار جامعه خود می‌شوند. از نظر هابرماس در جامعه مدنی، تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا او مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به اعتقاد او، شهروندان باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (Lemanski, 2017).

4- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش پیمایشی است که در آن، از تقسیم مناطق 22 گانه کلان‌شهر تهران به مراکز پنج‌گانه شهری (شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی)،

تک گروهی، t دو گروه مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

5- یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان داد که از مجموع 350 نفر تحت مطالعه، 212 نفر مرد و 138 نفر زن هستند که از این تعداد 150 نفر متأهل و 200 نفر مجرد، 51/4 درصد دیپلم و زیردیپلم و 41/4 درصد کارشناسی و 7/2 درصد کارشناسی‌ارشد و بالاتر بوده و از نظر سن 31/4 درصد افراد به رده‌های سنی 18-24 سال، 20/9 درصد افراد به رده‌های سنی 25-30 سال، 19/1 درصد افراد به رده‌های سنی 31-40 سال، 11/4 درصد افراد به رده‌های سنی 41-50 سال، 10 درصد افراد به رده‌های سنی 51-60 سال و 7/2 درصد افراد به رده‌های سنی 61-70 سال تعلق دارند. از نظر قومیتی نیز 27/3 درصد از افراد مورد مطالعه به قومیت ترک، 22/3 درصد به قومیت کرد، 41/6 درصد به قومیت فارس، 1/4 درصد به قومیت لر و 9/3 درصد به سایر قومیت‌های ساکن در کلان‌شهر تهران تعلق داشتند.

با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، 350 نفر از شهروندان تهرانی بالای 18 سال در سال 1398 که ارباب‌رجوعان شهرداری بودند، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته 18 سؤالی در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت است. به‌منظور سنجش روایی ابزار، صاحب‌نظران با استفاده از روش روایی محتوا، روایی ابزار را در حد مطلوب ارزیابی کردند و به‌منظور برآورد پایایی ابزار پژوهش، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن برابر 0/82 محاسبه شد. این پرسشنامه در سه بخش طراحی شده است: بخش اول، آگاهی شهروندان از حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی شامل 6 سؤال، بخش دوم، آگاهی شهروندان از حقوق قضایی شامل 6 سؤال، بخش سوم، آگاهی شهروندان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل 6 سؤال. به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها با توجه به مقیاس پیوسته و فاصله‌ای داده‌ها و همچنین پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها، از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف، از آزمون‌های پارامتریک t

جدول 1- توزیع فراوانی و درصد مطالعاتی بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک

ویژگی‌های دموگرافیک	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	60/6
	زن	39/4
قومیت	کرد	17/1
	ترک	21/4
	لر	11/5
	فارس	35/7
	سایر قومیت‌ها	14/3
	متأهل	42/9
تأهل	مجرد	57/1
	افراد رده‌های سنی 18-24 سال	31/4
رده سنی	افراد رده‌های سنی 25-30 سال	20/9
	افراد رده‌های سنی 31-40 سال	19/1
	افراد رده‌های سنی 41-50 سال	11/4
	افراد رده‌های سنی 51-60 سال	10
	افراد رده‌های سنی 61-70 سال	7/2
	زیردیپلم و دیپلم	51/4
تحصیلات		180

41/4	145	کارشناسی	منطقه سکونت
7/2	25	کارشناسی ارشد و بالاتر	
15/1	53	افراد ساکن در مناطق شمالی تهران	
19/2	67	افراد ساکن در مناطق شرقی تهران	
22/9	80	افراد ساکن در مناطق مرکزی تهران	
27/1	95	افراد ساکن در مناطق جنوبی تهران	
15/7	55	افراد ساکن در مناطق غربی تهران	

تجربی وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه میانگین تجربی پایین تر از میانگین نظری می باشد، عنوان می شود که میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، پایین تر از حد متوسط است (جدول 2).

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش که «میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی چقدر است؟» از آزمون t تک گروهی استفاده شده است. با توجه به میزان t به دست آمده، می توان مطرح نمود که تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = 0/01$ بین میانگین نظری با میانگین های

جدول 2- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی

Sig	t	Df	انحراف معیار	میانگین	
0/000	-24/237	349	0/482	2/38	آگاهی شهروندان از حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی
0/000	-96/967	349	0/180	2/06	آگاهی شهروندان از حقوق قضایی
0/000	-74/537	349	0/172	2/31	آگاهی شهروندان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
0/000	-85/649	349	0/163	2/25	میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی

آمده، می توان بیان کرد که تفاوت معناداری در سطح $P < 0/05$ بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بین قومیت های کرد، ترک، لر، فارس و سایر قومیت ها وجود ندارد. در واقع چون مقدار آماره F محاسبه شده با درجه آزادی 4 و 349 از مقدار جدول کوچک تر و سطح معنی داری (0/772) از 0/05 بزرگ تر است، پس بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی بر اساس قومیت، تفاوت معنی داری وجود ندارد.

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس اطلاعات جمعیت شناختی (قومیت، جنسیت، تأهل، سن، تحصیلات و منطقه سکونت) تفاوت معنی داری وجود دارد؟»، این سؤال به شش سؤال فرعی تقسیم شد. برای پاسخ به سؤال فرعی اول که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس قومیت، تفاوت معنی داری وجود دارد؟» از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. با توجه به میزان F به دست

جدول 3- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس قومیت

متغیر	مقوله	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
قومیت های مورد مطالعه ساکن در تهران	کرد	2/24	0/15	0/450	0/772
	ترک	2/25	0/17		
	لر	2/23	0/18		
	فارس	2/20	0/16		

	سایر قومیت‌ها	2/32	0/19	
--	---------------	------	------	--

$P < 0/05$ بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در زنان و مردان وجود دارد، یعنی میزان آگاهی مردان مورد مطالعه، از حقوق شهروندی، از زنان بیشتر بوده است.

برای پاسخ به سؤال فرعی دوم که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس جنسیت، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟» از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است. با توجه به میزان t به‌دست آمده، می‌توان بیان کرد که تفاوت معناداری در سطح

جدول 4- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس جنسیت

متغیر	مقوله	میانگین	انحراف معیار	Df	t	Sig
جنسیت افراد مورد مطالعه ساکن در تهران	مرد	2/78	0/24	349	2/143	0/03
	زن	2/07	0/15	349		

$P < 0/05$ بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی متأهلان و مجردان وجود دارد؛ یعنی میزان آگاهی افراد متأهل مورد مطالعه، از حقوق شهروندی، نسبت به افراد مجرد بیشتر است.

برای پاسخ به سؤال فرعی سوم که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس تأهل، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟» از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است. با توجه به میزان t به‌دست آمده، می‌توان بیان کرد که تفاوت معناداری در سطح

جدول 5- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس تأهل

متغیر	مقوله	میانگین	انحراف معیار	Df	t	Sig
وضعیت تأهل افراد مورد مطالعه ساکن در تهران	متأهل	2/82	0/18	349	2/186	0/04
	مجرد	2/09	0/16	349		

میزان F به‌دست آمده، می‌توان بیان کرد که تفاوت معناداری در سطح $P < 0/05$ بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی در رده‌های سنی مورد مطالعه وجود ندارد.

برای پاسخ به سؤال فرعی چهارم که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس گروه‌های سنی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟» از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. با توجه به

جدول 6- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس رده‌های سنی

متغیر	مقوله	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
رده‌های سنی افراد مورد مطالعه ساکن در تهران	افراد رده‌های سنی 18-24 سال	2/87	0/15	0/643	0/667
	افراد رده‌های سنی 25-30 سال	2/80	0/23		
	افراد رده‌های سنی 31-40 سال	2/64	0/16		
	افراد رده‌های سنی 41-50 سال	2/58	0/18		
	افراد رده‌های سنی 51-60 سال	2/44	0/22		
	افراد رده‌های سنی 61-70 سال	2/16	0/17		

معناداری در سطح $P < 0/05$ بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی با توجه به میزان تحصیلات وجود دارد. به عبارتی، شهروندانی که از تحصیلات بیشتری برخوردار هستند، آگاهی بیشتری نسبت به حقوق خود دارند.

برای پاسخ به سؤال فرعی پنجم که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس مدرک تحصیلی، تفاوت معنی داری وجود دارد؟» از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به میزان F به دست آمده، می توان بیان کرد که تفاوت

جدول 7- میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس تحصیلات

متغیر	مقوله	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
وضعیت تحصیلی افراد مورد مطالعه ساکن در تهران	زیر دیپلم و دیپلم	1/66	0/15	1/73	0/03
	کارشناسی	2/58	0/19		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	2/97	0/17		

به دست آمده، می توان بیان کرد که تفاوت معناداری در سطح $P < 0/01$ بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی با توجه به منطقه وجود دارند.

برای پاسخ به سؤال فرعی ششم که «آیا بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس منطقه سکونت، تفاوت معنی داری وجود دارد؟» از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به میزان F

جدول 8- میانگین آگاهی افراد ساکن تهران از حقوق شهروندی (بر مبنای منطقه سکونت)

متغیر	مقوله	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
منطقه سکونت افراد مورد مطالعه ساکن در تهران	افراد ساکن در مناطق شمالی تهران	2/20	0/14	0/543	0/667
	افراد ساکن در مناطق شرقی تهران	2/45	0/22		
	افراد ساکن در مناطق مرکزی تهران	2/37	0/17		
	افراد ساکن در مناطق جنوبی تهران	2/15	0/19		
	افراد ساکن در مناطق غربی تهران	2/58	0/13		

همچنین نتایج آزمون ها نشان دادند که بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی بر اساس قومیت، تحصیلات، منطقه سکونت و رده سنی، تفاوت معنی داری وجود ندارد اما میزان آگاهی شهروندان مرد از حقوق شهروندی بیشتر از شهروندان زن می باشد و میزان آگاهی شهروندان متأهل از مجرد نیز بیشتر می باشد.

با توجه به یافته های پژوهش، پیشنهاد می شود:

- شهرداری ها و سایر نهادهای خدمات اجتماعی، توجه بیشتری را به مسئله افزایش شناخت و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تدارک آموزش ها و برنامه های ویژه در این خصوص به عمل آورند تا سرمایه

6- نتیجه گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر، با هدف بررسی میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی، صورت گرفت. یافته های حاصل از پژوهش، حاکی از آن بودند که از دیدگاه شهروندان تهرانی، میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، پایین تر از حد متوسط بوده است. در واقع، آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و آزادی های سیاسی و مدنی، حقوق قضایی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پایین می باشد. نتایج این مقاله با نتایج پژوهش زیاری و همکاران (1392) و سجادی و واحدی یگانه (1396) هم راستا است ولی با نتیجه پژوهش بهرامی و همکاران (1398) مغایرت دارد.

دسترنج، منصوره؛ ملاحی، مهدی. (1397). بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه پیام‌نور بندرعباس. *دوفصلنامه حقوق بشر/اسلامی*، 7(14)، 81-98.

رمضان مقدم واجاری، یاسمن؛ جانی‌پور، مجتبی. (1396). رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت. *نشریه مطالعات جامعه‌شناسی*، 9(34)، 33-49.

زیاری، کرامت‌الله؛ شیخی، عبدالله، باقر عطاران، مرضیه؛ کاشفی دوست، دیمن. (1392). ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری. *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، 1(1)، 59-77.

ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۹۱). *آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)*. چاپ چهارم، تهران: بهمن برنا.

سجادی، ژیلا؛ واحدی‌یگانه، فرید. (1396). بررسی و سنجش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری با هدف دستیابی به زندگی شایسته (مطالعه موردی: شهر سنندج). *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، 9(34)، 1-22.

سهمای، سوسن؛ احمدی، سیروس؛ دوکوهکی، لیلا؛ حاجی‌پور، محمد. (1395). رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی در بین زنان 44-25 سال شهر شیراز. *فصلنامه زن و جامعه*، 7(1)، 29-43.

شارع‌پور، محمود؛ علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ شعبانی، مریم. (1395). بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، 6(18)، 1-22.

شیانی، ملیحه؛ داوودوندی، طاهره. (1389). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، 2(5)، 35-59.

عنایتی، ترانه؛ آراسته، حمیدرضا؛ ضامنی، فرشیده؛ نظامی‌پایانی، یوسف. (1395). رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی دانشجویان. *نشریه اخلاق در علوم و فناوری*، 7(2)، 25-34.

اجتماعی جامعه افزایش یابد و شهروندان مشارکت بیش‌تری در امور جامعه داشته باشند.

- رسانه‌های جمعی از ظرفیت‌های خود جهت آموزش حقوق شهروندی استفاده بیشتری کنند.

- انتشار و پخش بروشورهای اطلاع‌رسانی و آموزش حقوق شهروندی از طرف کلیه سازمان‌های ذی‌ربط

- برای تحقق شهروندی نیازمند یک حرکت دوسویه هستیم، یک حرکت از بالا به پایین که همان فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری، حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد؛ از این رو برای تحقق حقوق شهروندی، هم مسئولان و هم شهروندان باید مشارکت لازم را داشته باشند.

7- منابع

ابراهیمی، مازیار؛ حق‌زاد، آمنه. (1397). ارزیابی میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری (مطالعه موردی: شهروندان شهر تنکابن). *نشریه پژوهش ملی مهر*، شماره 34، 119-133.

بهرامی، ولی؛ نیازی، محسن؛ سهراب‌زاده، مهران. (1398). بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان). *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره 38، 35-74.

توسلی، غلامعباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود. (1383). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. *جامعه‌شناسی ایران*، شماره 18، 62-32.

جعفری، عطیه. (1395). نقش حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در راستای ارتقای مدیریت شهری. *نشریه مطالعات هنر و علوم/انسانی*، 2(10)، 1-9.

حسین‌آبادی، سعید؛ زنگنه، یعقوب. (1396). تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزوار). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، 4(2)، 189-204.

- in Latin America. *Journal of Urban History*, 30(6), 853-873.
- Scerri, A. (2013). Green citizenship and the political critique of injustice. *Citizenship Studies*, 17(3-4), 293-307.
- کلدی، علیرضا؛ پوردهناد، نگار. (1391). بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران. *نشریه مطالعات شهری*، 2(4)، 58-29.
- نیازی، محسن؛ بهرامی، ولی؛ سخابی، ایوب؛ حسینزاده، سید سعید. (1396). فراتحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی. *فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی*، 2(4)، 45-17.
- هاشمی، سیدمحمد؛ همتی، مجتبی؛ اسماعیلزاده، حسن. (1388). حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی. *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره 50.
- Baban, F., Ilcan, S., & Rygiel, K. (2016). Syrian refugees in Turkey: pathways to precarity, differential inclusion, and negotiated citizenship rights. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 1-17.
- Demaine, J., & Entwistle, H. (Eds.). (2016). *Beyond communitarianism: citizenship, politics and education*. Springer.
- Ferrarini, T., Nelson, K., Korpi, W., & Palme, J. (2013). Social citizenship rights and social insurance replacement rate validity: pitfalls and possibilities. *Journal of European Public Policy*, 20(9), 1251-1266.
- Keser, F., Akar, H., & Yildirim, A. (2011). The role of extracurricular activities in active citizenship education. *Journal of curriculum studies*, 43(6), 809-837.
- Lemanski, C. (2017). Unequal citizenship in unequal cities: participatory urban governance in contemporary South Africa. *International Development Planning Review*, 39(1), 15-35.
- Lister, R. (2016). 10 Citizenship, Welfare Rights. *Beyond Communitarianism: Citizenship, Politics and Education*, 163.
- McNulty, D., Watson, N., & Philo, G. (2016). Human rights versus citizenship rights: media coverage of human rights in the UK.
- Ramanathan, V. (Ed.). (2013). *Language policies and (dis) citizenship: Rights, access, pedagogies*. Multilingual Matters.
- Salman, T. (2004). Apocryphal citizenship: Anthropologizing the citizenship debate